پيوند زكات و نماز در اسلام‏

محمد سهيل بهرام‏نسب‏

اشاره‏

زكات يكى از واجبات دين مبين اسلام است كه در واقع آزمونى مالى و وسيله‏اى براى طهارت مادى و معنوى مسلمانان و ابزارى در جهت رفع و ريشه كن كردن فقر در جامعه اسلامى مى‏باشد.

در قرآن كريم واژه زكات در 32 آيه ذكر شده است و در بسيارى از روايات معصومان‏عليهم السلام‏از اين واجب الهى سخن به ميان آمده است كه همگى حكايت از اهميت حياتى زكات در برنامه اقتصادى، فرهنگى و تربيتى اسلام دارد.

آنچه در اين ميان قابل دقت و توجه مى‏باشد اين است كه در 27 آيه از 32 آيه ياد شده، واژه «زكات» در كنار واژه «صلاة» ذكر شده است و در روايات نيز اين پيوستگى ديده مى‏شود.

در اين نوشتار بر آنيم كه اين پيوستگى را مورد بررسى و تحليل اجمالى قرار دهيم و با كمك آيات و روايات، چگونگى پيوند زكات با نماز و حكمت آن را تبيين كنيم.

در آغاز لازم است به تاريخچه پيوستگى زكات با نماز در اديان سابق اشاره‏اى كنيم.

پيوستگى زكات با نماز در اديان سابق‏

تأكيد بر پيوستگى زكات با نماز، تنها در دين مبين اسلام مطرح نبوده است، بلكه در اديان سابق نيز بر اين پيوستگى تأكيد شده و فريضه زكات در كنار فريضه نماز، مطرح شده است. با نگاهى به آيات ذيل به خوبى اين مدعا قابل اثبات است.

1 - آيات 71 تا 73 سوره مبارك انبياء:

«و نجّيناه و لوطاً الى الارض التى باركنا فيها للعالمين و وَهبنا لهُ اسحاق و يعقوب نافلة و كُلاً جعلنا صالحين و جعلناهم ائمة يهدون بأمرنا و أوحينا اليهم فعل الخيرات و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة و كانوا لنا عابدين»

«و او (ابراهيم) و لوط را [براى رفتن‏] به سوى آن سرزمينى كه براى جهانيان در آن بركت نهاده بوديم، رهانيديم و اسحاق و يعقوب را [به عنوان نعمتى‏] افزون به او بخشوديم و همه را از شايستگان قرار داديم و آنان را پيشوايانى قرار داديم كه به فرمان ما هدايت مى‏كردند، و به ايشان انجام دادن كارهاى نيك و بر پا داشتن نماز و دادن زكات را وحى كرديم و آنان پرستنده ما بودند.»

آيات فوق به اين نكته اشاره دارد كه زكات در كنار نماز از برنامه‏هاى هدايتى در برنامه پيامبران بزرگى چون لوط، ابراهيم، اسحاق، و يعقوب‏عليهم السلام‏بوده است و آنان از سوى خدا مأمور بوده‏اند كه دستور الهى اداى زكات و اقامه نماز را به بندگان خدا ابلاغ نمايند.

2 - آيات 30 و 31 سوره مبارك مريم:

«قال انّى عبدالله ءاتانىَ الكتاب و جَعَلَنى نبيّاً و جَعَلَنى مباركاً أين ما كنتُ و أوصانى بالصّلوة و الزكوة ما دُمتُ حيّاً»

«[حضرت عيسى در گهواره‏] گفت: منم بنده خدا، به من كتاب داده و مرا پيامبر قرار داده است و هر جا كه باشم مرا با بركت ساخته و تا زنده‏ام به نماز و زكات سفارش كرده است.»

3 - آيات 54 و 55 سوره مبارك مريم:

«و اذكُر فى الكتاب اسماعيل انّه كانَ صادقَ الوعد و كان رسولاً نبيّاً و كان يأمُرُ أهله بالصّلوة و الزّكوة و كان عند ربّه مرضيّاً»

«و در اين كتاب از اسماعيل ياد كن؛ زيرا كه او درست وعده و فرستاده‏اى پيامبر بود و خاندان خود را به نماز و زكات فرمان مى‏داد و همواره نزد پروردگارش پسنديده [رفتار] بود.»(1)

پيوستگى زكات با نماز در قرآن‏

در قرآن كريم چنان كه گفته شد، 27 آيه در اين باره وجود دارد كه در اين جا پس از ذكر نشانى آيات، به شرح و تفسير برخى از آنها خواهيم پرداخت.

آيات ياد شده عبارتند از: سوره بقره آيه 43، 83، 110، 177، 277 ؛ سوره نساء آيه 77، 162 ؛ سوره مائده آيه 12، 55 ؛ سوره توبه آيه 5، 11، 18، 71 ؛ سوره مريم آيه 31، 55 ؛ سوره انبياء آيه 73 ؛ سوره حج آيه 41، 78 ؛ سوره مؤمنون آيه 4 ؛ سوره نور آيه 37، 56 ؛ سوره نمل آيه 3 ؛ سوره لقمان آيه 4 ؛ سوره احزاب آيه 33 ؛ سوره مجادله آيه 13 ؛ سوره مزمل آيه 20 ؛ سوره بيّنه آيه 5.

در هر يك از اين آيات شريف واژه «زكات» در كنار واژه «صلاة» آمده است كه دلالت بر وجود پيوندى عميق بين اين دو ركن ركين دارد.

آيه نخست:

«و اقيموا الصّلوة و آتوا الزكوة و ما تُقدّموا لانفسكم مِن خيرٍ تجدوهُ عندالله انّ الله بما تعملون بصيرٌ»(2)

«و نماز به پا داريد و زكات بدهيد؛ و هرگونه نيكى كه براى خويش از پيش فرستيد، آن را نزد خدا باز خواهد يافت، آرى خدا به آنچه مى‏كنيد بيناست»

در تفسير نمونه ذيل اين آيه شريف آمده است:

«اين آيه، به مؤمنان دو دستور مهم و سازنده مى‏دهد؛ يكى در مورد نماز كه رابطه محكمى بين انسان و خدا ايجاد مى‏كند و ديگرى زكات كه رمز همبستگيهاى اجتماعى است و اين هر دو براى پيروز شدن بر دشمن [در كنار يكديگر] لازم است؛ زيرا با اين دو مهم، روح و جسم مؤمنان نيرومند مى‏شود.»(3)

آيه دوم:

«و اقيموا الصلوة و ءاتوُا الزكوة و اركعوا مَعَ الراكعين»(4)

«و نماز را برپا داريد و زكات را بدهيد و با ركوع كنندگان ركوع كنيد.»

در تفسير گران سنگ «تسنيم» ذيل آيه شريف فوق به چند نكته اشاره شده است:

«1 - كاربرد عنوان "ايتاء" و تعبير جمع "آتوُا" در امر به پرداخت زكات، براى تذكر به احياى اين واجب اجتماعى و مرتفع ساختن فقر عمومى در سطح جامعه است. البته مقصود اصيل از ايجاب زكات، تحصيل طهارت روح و اعتلاى جان بشرى است و گرنه تأمين هزينه مستمندان، به خوبى مقدور خداست.

در اين آيه، نخست به نماز كه اولين جلوه عبادى ايمان و بهترين وسيله رابطه عبد و مولاست اشاره مى‏كند: "و اقيموا الصلوة" و سپس به زكات كه برترين واجب مالى و اجتماعى اسلام است و سبب رابطه عبد با خلق خدا مى‏باشد امر مى‏كند: "و ءاتوُا الزّكوة".

2 - كمال واقعى انسان از منظر قرآن كريم، در جمع سالم بين حُسن فاعلى و حُسن فعلى است؛ يعنى روح، معتقد و متخلّق به اخلاق و بدن اشتغال به امتثال. از اين جمع سالم، گاهى به «ايمان و عمل صالح» ياد مى‏شود كه در بسيارى از آيات به صورت شرط لازم براى رهايى از كيفر تلخ و نيل به پاداش شيرين معاد بيان شده است؛ و گاهى بعد از ذكر ايمان، از نماز و زكات كه شاخص‏ترين نمونه عمل صالح است سخن به ميان مى‏آيد.

آنچه در آيه مورد بحث مطرح است از همين سنخ است كه پس از ترغيب به حُسن فاعلى؛ يعنى ايمان به معارف الهى و مآثر آسمانى - در آيه 42 - تشويق به حُسن فعلى يعنى تحكيم پيوند عملى با خدا (نماز) و توثيق ارتباط اقتصادى با مستمندان (زكات) و حفظ وحدت و شكوه امت اسلامى در نماز جماعت و مانند آن دارد.(5)

3 - فرمان به اداى زكات پس از فرمان به نماز از اين روست كه نماز گزارى كه با برپايى نماز با خداى مُنعم ارتباط برقرار كرد و به او تقرب جست، از خلق خدا كه «عيال الله» هستند غافل نمى‏شود؛ لازمه عدم غفلت از خلق، رفع مشكلات آنان و از جمله برطرف كردن فقر و نيازهاى مادى و اقتصادى است كه با پرداخت زكات و انفاقهاى مالى رفع مى‏شود.(6)

4 - در بحث روايى در اين تفسير شريف، روايتى مربوط به اين آيه شريفه آمده است كه در شرح روايت به خوبى پيوستگىِ زكات با نماز مورد بررسى قرار گرفته است:

«عن الرضاعليه السلام: انّ الله عزوجل اَمَرَ بثلاثةٍ يقرنُ بها ثلاثة، اَمَرَ بالصّلوة و الزكوة فمن صلّى و لم يُزَكّ لم تُقبل صلاتُه...»(7)

«خداوند عزوجل به سه چيز - كه سه چيز ديگر قرين و عِدل آنهاست - امر فرموده است: امر به نماز و زكات كرده، پس هر كس نماز بخواند و زكات ندهد نمازش قبول نمى‏شود...»

توضيح اين كه اگر چه از لحاظ بحثهاى جزيى و موردى هر كدام از نماز و زكات، واجب مستقل است و هيچ ارتباط وضعى از لحاظ صحت و فساد بين آنها برقرار نيست، ولى از نظر جامع نگرى و وحدت مكتب اسلام و پيوند ناگسستنى بين عناصر محورى دين، بين نماز و زكات و ساير اركان اصيل اسلامى ارتباط عميق و عريق برقرار است؛ زيرا رسول اكرم‏صلى الله عليه وآله، اسلام را همچون بنيان مرصوصى دانست كه داراى پايه‏هاى متعدد است و يكى از آن اركان، نماز و ديگرى زكات است: «بُنىَ الاسلامُ على خَمس، شهادة ان لا اله الا اللّه و أنّ محمداً رسولُ الله و اقام الصّلوة و ايتاء الزّكوة و حجّ البيت و صومِ رمضان»(8)؛

«اسلام بر پنج پايه استوار شده است: گواهى دادن بر يگانگى الله و رسالت محمدصلى الله عليه وآله‏و اقامه نماز و دادن زكات و حج خانه خدا و روزه رمضان».

بنابر اين ترك زكات به منزله ويران كردن يكى از پايه‏هاى اسلام است؛ در نتيجه تارك زكات، اسلام راستين را از دست داده و نماز چنين كسى مقبول كامل نيست.»(9)

آيه سوم:

«ألم تَرَ الى الذين قيلَ لَهُم كُفُّوا أيديَكم و أقيموا الصّلوة و ءاتوا الزّكاة فلمّا كُتبَ عليهمُ القتالُ اذا فريقٌ منهم يَخشَونَ النّاسَ كخشية اللّه أو أشَدَّ خَشيَةً...»(10)

«آيا نديدى كسانى را كه به آنان گفته شد: [فعلاً] دست [از جنگ‏] بداريد و نماز را برپا كنيد و زكات بدهيد، و [لى‏] همين كه كارزار بر آنان مقرر شد، به ناگاه گروهى از آنان از مردم [= مشركان مكه‏] ترسيدند مانند ترس از خدا يا ترسى سخت‏تر....»

در تفسير نمونه ذيل اين آيه شريف آمده است:

«درباره اين آيه ممكن است اين سئوال پيش آيد كه چرا از ميان تمام دستورات اسلامى تنها مسئله نماز و زكات ذكر شده است در حالى كه دستورات اسلام منحصر به اينها نيست؟

در پاسخ مى‏گوييم كه نماز رمز پيوند با خدا و زكات رمز پيوند با خلق خداست؛ بنابر اين منظور اين است كه به مسلمانان دستور داده شده با برقرارى پيوند محكم با خداوند و پيوند محكم با بندگان خدا، جسم و جان خود و اجتماع خويش را آماده براى جهاد كنند و به اصطلاح، خودسازى كنند و مسلماً هر جهادى بدون آمادگيهاى روحى و جسمى افراد و بدون پيوندهاى محكم اجتماعى محكوم به شكست است.

مسلمان در پرتو نماز و نيايش با خدا ايمان خود را محكم و روحيه خويش را پرورش مى‏دهد و آماده هرگونه فداكارى و از خود گذشتگى مى‏شود و با زكات شكافهاى اجتماعى پر شده و تهيه نفرات آزموده و ابزار جنگى - كه زكات يك پشتوانه اقتصادى براى تهيه آنها مى‏باشد - بهبود مى‏يابد و به هنگام صدور فرمان جهاد آمادگى كافى براى مبارزه با دشمن خواهند داشت.»(11)

آيه چهارم:

«فاذا انسَلَخَ الاشهُرُ الحُرُم فاقتُلُوا المشركين حيثُ وَجدتُموهم و خُذوهم و احصُرُوهُم و اقعُدوا لَهُم كلّ مَرصدٍ فان تابوا و أقاموا الصّلوة و ءاتُوا الزّكوة فخَلّوا سبيلهم انّ الله غفورٌ رحيمٌ»(12)

«پس چون ماههاى حرام سپرى شد، مشركان را هر كجا يافتيد بكُشيد و آنان را دستگير كنيد و به محاصره درآوريد و در هر كمينگاهى به كمين آنان بنشينيد؛ پس اگر توبه كردند و نماز بر پا داشتند و زكات دادند، راه برايشان گشاده گردانيد، كه خداوند آمرزنده مهربان است.»

در تفسير نمونه ذيل اين آيه شريف اين سئوال به مناسبت آيه مطرح شده است كه آيا نماز و زكات شرط اسلام است؟ در پاسخ به اين سئوال آمده است:

«از آيات فوق در ابتداى نظر چنين استفاده مى‏شود كه براى قبول توبه بت‏پرستان اداء نماز و زكات نيز لازم است و به همين دليل برخى فقهاى اهل سنت ترك نماز را دليل بر كفر گرفته‏اند.

ولى حق اين است كه منظور از ذكر اين دو دستور بزرگ اسلامى، آن باشد كه در تمام مواردى كه ادعاى اسلام، مشكوك به نظر برسد - همان گونه كه در مورد بت‏پرستان آن روز غالباً چنين بود - انجام اين دو وظيفه بزرگ اسلامى را به عنوان نشانه براى اسلام آنها قرار دهند، و يا اين كه منظور اين است كه آنها نماز و زكات را به عنوان دو قانون الهى بپذيرند و به آن گردن نهند و به رسميت بشناسند، هر چند از نظر عمل در كار آنها قصور باشد؛ زيرا دلايل فراوان داريم كه تنها با ترك نماز و يا زكات انسان در صف كفار قرار نمى‏گيرد، هر چند اسلام او بسيار ناقص است.

البته اگر ترك زكات به عنوان قيام بر ضد حكومت اسلامى باشد سبب كفر خواهد بود.»(13)

در تفسير نور نيز پيام اين آيه اين گونه بيان شده است:

«توبه از شرك، ايمان است و نشانه توبه واقعى، نماز و زكات است.»(14)

آيه پنجم:

«فان تابوا و أقاموا الصلوة و ءاتوا الزكوة فاخوانُكم فى الدين و نُفَصّل الايات لقوم يعلمون»(15)

«پس اگر توبه كنند و نماز برپا دارند و زكات دهند، در اين صورت برادران دينى شما مى‏باشند و ما آيات [خود] را براى گروهى كه مى‏دانند به تفصيل بيان مى‏كنيم.»

در تفسير «الميزان» در ذيل اين آيه شريف آمده است:

«مراد از توبه، به دلالت سياق، اين است كه به سوى ايمان به خدا و آيات او برگردند و به همين جهت به صرف توبه اكتفا نكرده و مسئله به پا داشتن نماز را كه از روشن‏ترين مظاهر عبادت خدا و هم چنين زكات را كه از قوى‏ترين اركان جامعه دينى است به آن اضافه كرد و اين دو را به عنوان نمونه و اشاره به همه وظايف دينى كه در تماميت ايمان به آيات خدا دخالت دارند ذكر كرد.»(16)

در تفسير نور نيز براى اين آيه پيامهايى بيان شده است:

1 - «آنان كه تارك نماز و زكاتند، برادران دينى ما نيستند؛

2 - شرط ورود به دايره اخوّت دينى، نماز و زكات است؛

3 - آنان كه تا ديروز واجب‏القتل بودند، در سايه توبه و نماز و زكات، حقوق برابر با مسلمانان مى‏يابند.»(17)

آيه ششم:

«انّما يعمُرُ مساجد الله مَن ءامَنَ بالله و اليوم الاخر و أقام الصّلوة و ءاتى الزّكوة و لم يخش الا الله فعسى أولئك أن يكونوا من المهتدين»(18)

«مساجد خدا را تنها كسانى آباد مى‏كنند كه به خدا و روز واپسين ايمان آورده و نماز برپا داشته و زكات داده و جز از خدا نترسيده‏اند، پس اميد است كه اينان از راه يافتگان باشند.»

در تفسير نمونه ذيل اين آيه شريف آمده است:

«أقام الصلوة و آتى الزكوة در اين آيه يعنى ايمان آن شخص به خدا و روز قيامت تنها در مرحله ادعا نباشد، بلكه با اعمال پاكش آن را تأييد كند؛ هم پيوندش با خدا محكم باشد و نماز را به درستى انجام دهد و هم پيوندش با خلق خدا و زكات را بپردازد.»(19)

آيه هفتم:

«و المؤمنون و المؤمناتُ بعضُهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهَون عن المنكر و يُقيمون الصلوة و يُؤتون الزّكوة و يُطيعون الله و رسوله أولئك سَيَرحَمُهُمُ الله ان الله عزيز حكيم»(20)

«و مردان و زنان با ايمان، دوستان يكديگرند، كه به كارهاى پسنديده وا مى‏دارند، و از كارهاى ناپسند باز مى‏دارند و نماز را برپا مى‏كنند و زكات مى‏دهند و از خدا و پيامبرش فرمان مى‏برند. آنانند كه خدا به زودى مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، كه خدا توانا و حكيم است.»

در تفسير نمونه آمده است:

«در اين آيه به ذكر نشانه‏هاى مؤمنين در مقايسه با منافقان پرداخته و بيان مى‏كند كه مؤمنين بر خلاف منافقان كه خدا را فراموش كرده بودند، "نماز را برپا مى‏دارند" و بر خلاف منافقان كه افرادى بخيل هستند، بخشى از اموال خويش را در راه خدا مى‏دهند "و زكات اموال خويش را مى‏پردازند".»(21)

آيه هشتم:

«و جعلنى مُباركاً أين ما كُنتُ و أوصانى بالصّلوة و الزّكوة ما دُمتُ حيّاً»(22)

«و [حضرت عيسى در گهواره فرمود:] هر جا كه باشم [خدا] مرا با بركت ساخته و تا زنده‏ام به نماز و زكات سفارش كرده است.»

در تفسير نمونه آمده است:

«در اين آيه حضرت عيسى از ميان تمام برنامه‏ها، بر توصيه پروردگار به نماز و زكات تكيه مى‏كند و اين به سبب اهميت فوق‏العاده اين دو برنامه است كه اين دو رمز ارتباط با خالق و خلق است و از يك نظر همه برنامه‏هاى مذهبى را مى‏توان در آن خلاصه كرد؛ چرا كه بخشى از آنها پيوند انسان را با خلق و بخشى پيوند انسان را با خالق مشخص مى‏كند.»(23)

آيه نهم:

«رجال لا تلهيهم تجارة و لا بيع عن ذكرِ الله و اقامِ الصّلوة و ايتاء الزّكوة يخافون يوماً تتقلّبُ فيه القلوبُ و الابصار»(24)

«مردانى كه نه تجارت و نه داد و ستدى آنان را از ياد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زكات، به خود مشغول نمى‏دارد، و از روزى كه دلها و ديده‏ها در آن زير و رو مى‏شود مى‏هراسند.»

علامه طباطبايى در ذيل اين آيه شريف نوشته است:

«مراد از اقامه نماز و ايتاء زكات، آوردن همه اعمال صالحه است كه خداى تعالى بندگان را به آنها مأمور كرده كه در زندگى دنيايشان انجام دهند؛ اقامه نماز، وظايف عبوديت براى خداى سبحان را ممثّل مى‏كند و ايتاء زكات وظايف او را نسبت به خلق ممثّل مى‏سازد؛ چون نماز و زكات هر يك در باب خود ركنى هستند.»(25)

آيه دهم:

«و أقيموا الصّلوة و ءاتوا الزّكوة و أطيعوا الرّسول لعلّكم تُرحمون»(26)

«و نماز را برپا كنيد و زكات را بدهيد و پيامبر [خدا] را فرمان بريد تا مورد رحمت قرار گيريد.»

علامه طباطبايى درباره اين آيه نوشته است:

«اگر از ميان همه وظايف (تكاليف) تنها نماز و زكات را يادآورى كرده براى اين است كه اين دو تكليف در ميان تكاليف راجعه به خدا و خلق به منزله ركن است.»(27)

اشاره‏

با توجه به آنچه در تفسير اين آيات ذكر شد معلوم گرديد كه اولاً بين نماز و زكات رابطه‏اى عميق وجود دارد؛ ثانياً به تناسب موضوع و شأن نزول هر آيه، بُعدى از همبستگى بين اين دو فريضه و ويژگى‏اى از ويژگيهاى هر كدام قابل استفاده و نتيجه‏گيرى است.

پيوستگى زكات با نماز در روايات‏

در كلمات معصومان‏عليهم السلام‏ذكر زكات در كنار نماز و سخن از ارتباط ميان آن دو، در پاره‏اى از روايات آمده است؛ البته اين مسئله در احاديث مذكور با تعابير مختلفى مطرح شده است كه در اين بخش برخى از آنها را مرور مى‏كنيم:

1 - در تفسير على بن ابراهيم(28) (منسوب به امام حسن عسكرى‏عليه السلام) روايتى جامع و كامل در اين موضوع آمده است كه ترجمه آن را تقديم مى‏كنيم:

«...اما زكات؛ پس پيامبرصلى الله عليه وآله‏[درباره آن‏] فرمود: هر كس زكات [مال خود] را به مستحق بدهد و نماز را با حدود و شرايطش به جا آورد و به اين دو (نماز و زكات) چيزى از گناهان كه آن دو را باطل كند، ملحق نكند، در روز قيامت در حالى وارد محشر مى‏شود كه تمام حاضرين در عرصات قيامت به حال او غبطه مى‏خورند تا اين كه نسيم بهشتى او را تا بالاترين غرفه‏ها و تالارهاى بهشت، به محضر محمد و خاندان طيبين و طاهرين آن حضرت - كه اين شخص آنها را دوست مى‏داشته - بالا مى‏برد.

هر كس كه نسبت به زكات مالش بخل بورزد و [لى‏] نمازش را به جا آورد، نمازش نگاه داشته مى‏شود و به آسمان نمى‏رود تا وقتى كه زكات مالش بيايد، پس اگر زكات را داد، آن زكات، به صورت راهوارترين اسبها براى حمل نمازش در مى‏آيد و نماز را تا ساق عرش با خود مى‏برد و حمل مى‏كند؛ پس خداوند عزوجل [خطاب به آن شخص‏] مى‏فرمايد:

در بهشت [با اين مركب‏] سير كن و تا روز قيامت در آن بتاز پس تا هر كجا كه تاختن تو به آن منتهى شد، همه آن و راست و چپ آن براى توست؛ پس آن اسب شروع به تاختن مى‏كند به طورى كه در هر روز در يك چشم به هم زدن با هر پَرش و جهش مسافت يك سال را طى مى‏كند تا اين كه به جايى كه خداوند تعالى مى‏خواهد منتهى مى‏شود.

پس همه آن مقدار طى شده و مثل آن مقدار از جهت راست آن و چپ آن و مقابل آن و پشت آن و بالاى آن و زير آن، براى آن شخص است. و [لى‏] اگر نسبت به زكاتش بخل بورزد و آن را پرداخت نكند، امر مى‏شود [به ملائكه كه نمازش را به او برگردانند ]پس نماز به آن شخص برگردانده مى‏شود و نمازش در هم پيچيده مى‏شود همچنان كه لباس كهنه را مى‏پيچند و آن را به صورت آن فرد مى‏زنند و [به او ]گفته مى‏شود: اى بنده خدا! اين نماز بدون زكات به چه دردت مى‏خورد!»

2 - در پاره‏اى از روايات از نمازى كه به همراهش زكات نباشد به نماز غير مقبول يا ناقص تعبير شده است كه در اينجا به نقل چند روايت در اين باره مى‏پردازيم.

روايت اول: پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏فرمود:

«لا يَقبَلُ اللهُ عزوجلّ صلاةَ رجلٍ لا يُؤدّى الزكاة حتى يَجمَعَهُما فانّ الله عزوجل قد جَمعَهُما فلا تُفَرّقوا بينهما»(29)

«خداوند عزوجل نماز كسى را كه زكات ندهد قبول نمى‏كند تا وقتى كه ميان آن دو جمع كند؛ زيرا خداوند آن دو را جمع كرده است، پس ميان آن دو جدايى ميندازيد.»

روايت دوم: امام رضاعليه السلام‏فرمود:

«انّ الله عزوجل اَمَرَ بثلاثة مقرونٍ بها ثلاثةٌ اخرى؛ أمَرَ بالصلاة و الزكاة، فَمن صلّى و لم يُزَكّ لم تُقبَل منه صلاته...»(30)

«خداى عزوجل به سه چيز فرمان داده كه هر يك از آنها با چيز ديگرى پيوسته و قرين است، به نماز و زكات [در كنار هم ]فرمان داد پس كسى كه نماز بخواند و زكات ندهد نمازش پذيرفته نيست...»

روايت سوم: امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«لا صلاة لمَن لا زكاة له و لا زكاة لمَن لا ورعَ له»(31)

«كسى كه زكات ندهد نمازش بى حاصل است و كسى كه ورع نداشته باشد زكاتش پذيرفته نيست.»

3 - اخراج نمازگزار بى زكات از مسجد.

امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«بينا رسول الله‏صلى الله عليه وآله‏فى المسجد اذ قال قُم يا فلان قُم يا فلان حتى أخرجَ خمسةَ نفر فقال: اخرجوا من مسجدنا لا تُصَلّوا منه و انتم لا تزكّون»(32)

«پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏در مسجد حضور داشت كه خطاب به چند نفر فرمود: اى فلان بلند شو! اى فلان بلند شو! تا اين كه پنج نفر را از مسجد بيرون كرد. سپس فرمود: از مسجد ما بيرون رويد و در آن نماز نخوانيد؛ زيرا شما زكات نمى‏دهيد.»

شايد بتوان اين استفاده را از روايت كرد كه نمازگزارى كه اهل زكات نباشد بايد از اجتماعات مسلمين طرد شود؛ زيرا اين شخص دينى ناقص و روشى ناصحيح دارد و براى اجتماع مسلمين مضرّ است.

برآيند اين پيوند

1 - اين كه قرآن كريم زكات را عِدل و قرين نماز قرار داده است معلوم مى‏شود كه اگر نماز ستون دين است پس زكات هم ستون دين است؛ اگر نماز بهترين اعمال است، زكات هم چنين است و اگر نماز وسيله تقرب الى الله است زكات نيز سبب تقرب است.(33)

2 - پيوستگى نماز و زكات در آيات و روايات از ارتباط عميق بين زندگى عبادى و زندگى اقتصادى در اسلام حكايت مى‏كند و نيز حكايت از اين دارد كه انفاق و بخشش مال نقش والايى در تكامل روحى انسان دارد.(34)

3 - ارتباطى قوى و مستحكم بين تقرب الى الله و عبادت خدا و بذل مال به منظور نابودى فقر از جامعه وجود دارد. زندگى اسلامى زندگى يكپارچه‏اى است كه اجزاء آن از همديگر جدا نيست؛ از اين رو است كه نماز با زكات قبول مى‏شود و ايمان و يقين با ادا كردن زكات شناخته مى‏شود؛ پس ايمان به خداى تعالى، همچنان كه مؤمنين را به خضوع در برابر پروردگار جهانيان با ركوع و سجود و تضرّع فرا مى‏خواند، به همان گونه آنان را به مبارزه با فقر و رسيدگى به محرومين دعوت مى‏كند.(35)

4 - نماز يك عبادت روحى و زكات يك عبادت مالى است و هر كس بتواند براى جلب رضايت خدا به پرداخت زكات موفق شود؛ از خود گذشتن در راه خدا براى او امرى آسان خواهد بود.(36)

5 - تكيه بر دو ركن نماز و زكات، بيان اين واقعيت است كه مسلمان شايسته است هم با خدا ارتباطى عاشقانه و صميمى داشته باشد و هم در رابطه با مردم بى تفاوت نبوده و وظايف واجب و مستحب مالى خود را انجام دهد و به فكر محرومان جامعه باشد.

در قرآن اقامه نماز و پرداخت زكات به عنوان محك ايمان و اخلاص برشمرده شده است و اين دو در حقيقت اولين گام وفادارى به دين معرفى شده‏اند چنان كه قرآن مى‏فرمايد:

«و أقيموا الصلاة و آتوا الزكوة و اركعوا مع الراكعين»(37)

«نماز به پا داريد و زكات بپردازيد و همراه ركوع كنندگان ركوع كنيد.»

پس روشن مى‏شود كه ياد خدا همراه با توجه به خلق خداست و پرواز روح همراه با امداد جسم است.

اگر كمك به محرومان همراه با نماز و رابطه با خدا باشد مفيد است؛ وگرنه همراه با منت و استعمار خواهد بود و سر از برده كشى در خواهد آورد.(38)

6 - در «زكات» اسرارى وجود دارد كه در نماز هم موجود است، از جمله:

الف. در زكات به فقرا و محرومين كمك مادى مى‏شود؛ در نماز براى آنان و همه مسلمين دعا مى‏شود؛

ب. در زكات، مال انسان پاكيزه مى‏شود؛ در نماز قلب او؛

ج. پرداخت زكات شكر مالى است؛ اقامه نماز، شكر جانى و بدنى است؛

د. با دادن زكات، صفت بخل از انسان دور مى‏شود؛ با خواندن نماز صفت تكبّر سركوب مى‏شود؛

ه . زكات حافظ مال است؛ نماز حافظ همه اعمال است؛

و. زكات سرمايه فقيران است؛ نماز سرمايه عابدان است؛

ى. زكات دهنده دوست دارد مالش بركت كند و زياد شود، نمازگزار هم به دنبال پاداشهاى بسيار است.(39)

7 - برخى از مفسّران گفته‏اند كه «الصلوة تبلغك باب الملك و الصدقة تدخلك عليه»؛ يعنى نماز تو را به باب مَلَك مى‏رساند و زكات سبب وارد شدن بر مَلَك است.(40)

d در جمع بندى بايد گفت اگر چه زكات، عبادتى مالى است و در ظاهر جنبه مادى دارد اما از آنجا كه با خود فوايدى همچون درمان صفت زشت بخل، تقرب الى الله و جلب رحمت الهى، فرو نشاندن غضب الهى و آمرزش گناهان، فراهم كردن زمينه استجابت دعا و خصوصاً قبولى نماز را به همراه دارد نشان دهنده اين است كه زكات در عين مادى بودن، نقش بسيار مهمى در تعالى روح مؤمن دارد.

از اين رو در كنار نماز كه يكى از مهم‏ترين پالايش كننده‏هاى روحى است مى‏تواند نقش تكميل كنندگى را به خوبى ايفا كند و بالعكس به راحتى مى‏توان تصور كرد كه بدون زكات به چه ميزان روح يك مسلمان از رشد و تعالى باز خواهد ماند.

8 - برترين نمازگزار زكات دهنده كيست؟

در تاريخ اسلام اگر بخواهيم از يك شخصيت به عنوان برترين نمازگزار زكات دهنده نام ببريم، بايد از كسى نام ببريم كه خداوند، زكات دادن او را ستود و او را ولىّ مؤمنين ناميد؛ آرى! اميرمؤمنان على بن ابى‏طالب‏عليه السلام‏بود كه در ركوع نمازش از دادن زكات غفلت نكرد و با عمل خود پيوستگى هميشگى توجه به خالق و توجه به خلق را فرياد كرد؛ و اين آيه در شأن حضرتش نازل گرديد كه:

«انما وليّكم اللّهُ و رسولُه و الّذين آمنوا الذين يُقيمُون الصلوة و يؤتُون الزّكوة و هم راكعون»(41)

«ولىّ شما، تنها خدا و پيامبر او مى‏باشد و كسانى كه ايمان آورده‏اند؛ همان كسانى كه نماز برپا مى‏دارند و در حال ركوع زكات مى‏دهند.»

پيام اين آيه شريف اين است كه، كسانى كه اهل نماز و زكات نيستند حق ولايت و رهبرى بر مردم را ندارند؛(42) و اين كه زكات هرگز از نماز جدا نيست.

9 - بدترين نمازگزارن (اصحاب رِدَّه).

در تاريخ اسلام مى‏خوانيم كه گروهى بعد از وفات پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏مرتد و به «اصحاب ردّه» معروف شدند. آنها جمعى از طوايف «بنى طىّ»، «غطفان» و «بنى اسد» بودند كه از دادن زكات به مأموران و عاملين حكومت اسلامى خوددارى كردند و با اين عمل پرچم مخالفت برافراشتند.

آنها مخالف صد در صد حكومت نبودند، اما زكات را به عنوان حكمى از احكام اسلام قبول نداشتند و به مصداق آيه 150 سوره نساء: «نؤمن ببعض و نكفُرُ ببعض»، مى‏گفتند: «اما الصلاة فنصلّى و اما الزكوة فلا يُغصَب اموالنا» ؛ يعنى نماز مى‏خوانيم ولى زكات نه، اجازه نمى‏دهيم اموالمان غصب گردد.

در پى اين بدعت، مسلمانان كه اين عمل آنها را ارتداد مى‏دانستند تصميم گرفتند با اين گروه مرتد به پيكار برخيزند و سرانجام با آنان جنگيدند و آنها را در هم كوبيدند.(43)

شباهتهاى زكات و نماز در قرآن‏

1 - زكات همانند نماز، سيره پيامبران و اوصياء الهى بوده است؛(44)

2 - زكات همانند نماز، در همه اديان وجود داشته است؛(45)

3 - زكات همانند نماز، سبب آمرزش گناهان است؛(46)

4 - زكات همانند نماز، در پى دارنده اجر عظيم عندالله است؛(47)

5 - زكات همانند نماز، از نشانه‏هاى اهل يقين است؛(48)

6 - زكات همانند نماز، از نشانه‏هاى مؤمنان راستين و سبب رستگارى است؛(49)

7 - زكات همانند نماز، شرط برادرى و اخوّت دينى است.(50)

شباهتهاى زكات و نماز در روايات‏

1 - زكات همانند نماز، از اركان دين اسلام است. حضرت امام باقرعليه السلام‏فرمود:

«بُنىَ الاسلامُ على خمسة اشياء؛ على الصّلاة و الزكوة و الحجّ و الصوم و الولاية»(51)

«اسلام بر پنج پايه استوار شده است؛ بر نماز و زكات و حج و روزه و ولايت.»

2 - زكات همانند نماز، موجب آمرزش گناهان است. پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏فرمود:

«الزّكوة تُذهبُ الذنوب»(52)

«زكات گناهان را از بين مى‏برد.»

امير مؤمنان على‏عليه السلام‏در نهج البلاغه درباره نماز فرمود:

«انّها لَتَحَتُّ الذنوب حتّ الورق»(53)

«نماز گناهان را مانند ريزش برگ درختان فرو مى‏ريزد.»

3 - ترك زكات همانند ترك نماز، موجب كفر است. پيامبر گرامى اسلام‏صلى الله عليه وآله‏فرمود:

«والّذى نفس محمّد بيده ما خان الله احد شيئاً من زكاة ماله الا مشرك بالله»(54)

«قسم به كسى كه جان محمد به دست اوست هيچ كس در چيزى از زكات مالش به خداوند خيانت نكرد مگر مشرك به خدا.»

نيز فرمود:

«بين العبد و بين الكفر ترك الصلاة»(55)

«فاصله بين بنده و كفر، ترك نماز است.»

4 - زكات همانند نماز، پالايش و پاكى روح را در پى دارد. در روايتى زيبا از حضرت زهراعليها السلام‏آمده است:

«فَجَعَلَ الايمانَ تطهيراً لكم مِنَ الشّرك و الصلاة تنزيهاً من الكبر و الزكوة تزكية للنفس و نماء فى الرّزق»(56)

«پس خداوند ايمان را براى پاك شدن شما از شرك و نماز را براى دور شدن شما از تكبر و زكات را براى پاكيزگى روح و افزايش رزق قرار داد.»

5 - ترك زكات همچون ترك نماز، در پى دارنده سوء عاقبت است. امام صادق‏عليه السلام‏فرمود:

«مَن مَنَعَ قيراطاً مِن الزّكوة فَليَمُت ان شاء يهوديّاً أو نصرانياً»(57)

«هر كس كه به اندازه يك قيراط [تقريباً هم وزن 4 عدد جو] زكات مالش را ندهد پس بايد [بر دينى غير از اسلام‏] بميرد خواه [بر دين‏] يهود يا نصارا.»

در روايتى درباره نماز از پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏آمده است:

«مَن تَرَكَ صلوة لا يَرجوُ ثوابها و لا يخافُ عقابها فلا ابالى أيموتُ يهودياً أو نصرانياً أو مجوسيّاً»

«كسى كه نماز را ترك كند در حالى كه نه اميد به پاداش آن دارد و نه از عذاب آن مى‏ترسد براى من اهميت ندارد كه او يهودى بميرد يا نصرانى يا مجوسى.»

6 - زكات همانند نماز، در نااميد كردن و نابودى شيطان مؤثر است. در روايتى از پيامبر اكرم‏صلى الله عليه وآله‏آمده است:

«الصّلاةُ تَسوِدُّ وجهَ الشيطان و الصّدقةُ تكسرُ ظَهرَه»

«نماز، شيطان را رو سياه مى‏كند و صدقه كمر او را مى‏شكند.»

با توجه به اين كه يكى از مصاديق بارز صدقه، زكات است نقش زكات در نابودى و به عجز درآوردن شيطان در اين روايت آشكار است.

...................) Anotates (.................

1) نيز ر.ك: سوره مائده (5) آيه 12 ؛ سوره بيّنه (98) آيه 5.

2) سوره بقره (2) آيه 110.

3) تفسير نمونه، ج 1، ص 110.

4) سوره بقره (2) آيه 43.

5) تفسير تسنيم، آيت الله جوادى آملى، ج 4، ص 110 - 113.

6) همان، ص 118.

7) نورالثقلين، ج 1، ص 74.

8) همان، ص 567.

9) تفسير تسنيم، ج 4، ص 128.

10) سوره نساء (4) آيه 77.

11) تفسير نمونه، ج 4، ص 15.

12) سوره توبه (9) آيه 5.

13) تفسير نمونه، ج 7، ص 294.

14) تفسير نور، ج 5، ص 11.

15) سوره توبه (9) آيه 11.

16) تفسير الميزان (مترجم)، ج 9، ص 243.

17) تفسير نور، ج 5، ص 16.

18) سوره توبه (9) آيه 18.

19) تفسير نمونه، ج 7، ص 351.

20) سوره توبه (9) آيه 71.

21) تفسير نمونه، ج 8، ص 37.

22) سوره مريم (19) آيه 31.

23) تفسير نمونه،ج 13، ص 55.

24) سوره نور (24) آيه 37.

25) ترجمه الميزان، ج 15، ص 180.

26) سوره نور (24) آيه 56.

27) ترجمه الميزان، ج 15، ص 223.

28) تفسير على بن ابراهيم، ص 76، ح 39.

29) الصلاة، محمد محمدى رى‏شهرى، ص 137.

30) جامع الاحاديث، ج 8، ص 6 ؛ ميزان الحكمة، ج 5، ص 2183.

31) ميزان الحكمة، ج 5، ص 2183.

32) جامع الاحاديث، ج 8، ص 7.

33) ر.ك: الحياة، ج 6، ص 245 و 246.

34) همان.

35) همان.

36) تفسير كاشف، ج 1، ص 175.

37) سوره بقره (2) آيه 43.

38) تفسير نور، ج 1، ص 182.

39) هزار و يك نكته درباره نماز، حسين ديلمى، ص 160.

40) تفسير كشف الاسرار و عدة الابرار، ابوالفضل رشيد الدين الميبدى، ج 1، ص 252.

41) سوره مائده (5) آيه 55.

42) تفسير نور، ج 3، ص 118.

43) ر.ك: تفسير نمونه، ج 20، ص 217.

44) ر.ك: سوره مائده (5) آيه 55 ؛ سوره بيّنه (98) آيه 5.

45) ر.ك: سوره انبياء (21) آيه 73.

46) ر.ك: سوره مائده (5) آيه 12.

47) ر.ك: سوره بقره (2) آيات 110 و 277 ؛ سوره نساء (4) آيه 162.

48) ر.ك: سوره لقمان (31) آيه 4.

49) ر.ك: سوره مؤمنون (23) آيه 1 - 4.

50) ر.ك: سوره توبه (9) آيات 11 و 71.

51) بحارالانوار، ج 82، ص 234.

52) بحارالانوار، ج 68، ص 332.

53) نهج‏البلاغه، خطبه 199.

54) بحارالانوار، ج 96، ص 29.

55) بحارالانوار، ج 82، ص 202.

56) الاحتجاج، ج 1، ص 134.

57) فروع كافى، ج 3، ص 505.